

# همکاری های علمی شیعه و سنی



نویسنده: حضرت آیت الله سبحانی (دامت برکاته)

جمعی از فضلا در محضر حضرت آیت الله سبحانی (دامت برکاته) حضور داشتند، سخن از وحدت اسلامی به میان آمد، و نظرهای موافق و مخالف مطرح شد. هنگامی که سخن حاضران به پایان رسید ایشان زمام سخن را به دست گرفتند و با قضاوت خاص میان موافق و مخالف چنین گفتند:

اصولا باید «وحدت» اسلامی به صورت منطقی تحدید و تفسیر شود تا موضوع تعریف منطقی نداشته باشد نمی‌توان درباره‌ی آن نفی و اثباتا دوری نمود.

متأسفانه منادیان وحدت یا مخالفان آن کمتر به این موضوع پرداخته‌اند و غالبا پیامدهای خوب و بد آن را مطرح می‌کنند بدون این که روشن کنند این پیامد از آن کدام تفسیر از وحدت است.

حضرت آیت الله سبحانی افزودند: در سالهای ۱۳۲۷ ه. ش مرحوم میرزا محمد تقی قمی که از پایه‌گذاران «دار التقریب بین المذاهب الاسلامیه» قاهره بود، در مدرسه‌ی فیضیه پیرامون تقریب سخن گفت، و حقا که او موضوع را به صورت واضح بیان کرد. حاصل گفتار او این بود که تقریب و یا وحدت دو معنا دارد:

۱. تمام فرق اسلامی را در یکدیگر نوب کنیم و از همگان فرقه واحدی بسازیم و به عبارت روشنتر: شیعه را سنی و یا سنی را شیعه کنیم تا اختلاف از بین برود و وحدت تحقق پذیرد.

مسلمان این تفسیر مورد نظر اعضای دارالتقریب نبوده و در این اعصار این نظریه امکان پذیر نیست، زیرا علاقه و دلبستگی پیروان هر يك از دو گروه به مختصات و ویژگی‌های خود، آن چنان محکم و استوار است که حتی با نبرد خونین نمی‌توان جریان را يك طرفه ساخت تا چه رسد در پرتو مذاکره و گفتگو.

۲. هر دو گروه مشترکات فراوانی در عقاید و احکام و اخلاق دارند، مشترکاتی که آنها را به صورت ملت واحدی در آورده، و در این ۱۴ قرن تحت پوشش اسلام زندگی کرده‌اند، در عین حال هر دو گروه دارای ویژگی‌هایی در عقاید و احکام می‌باشند.

منادیان تقریب می‌گویند: مشترکات دو گروه به قدری فراوان است که می‌تواند پیوند محکمی در میان پیروان هر دو گروه پدید آورد و در عین حال هر گروهی به مختصات خود علاقمند باشد و به عقیده‌ی مخالف نیز احترام بگذارد.

و به دیگر سخن: اختلاف در این ویژگی‌ها مایه‌ی جنگ و خونریزی و مشاجره نباشد و آنها را در زندگی و با جوامع بین المللی در مقابل یکدیگر قرار ندهد.

در گذشته اردوگاه شرق و غرب فاصله زیادی با یکدیگر داشتند، نظام حاکم بر یکی سوسیالیستی و حاکم بر دیگری سرمایه‌داری بود ولی در عین حال هر دو در موضعی که با هم نفع مشترک داشتند وحدت رویه را از دست نمی‌دادند. و بسان تیغه‌های يك قیچی که از هم فاصله دارند در قطع يك ریشه مخالف با هم حرکت می‌کردند و ریشه را می‌زدند.

مسلمان باید از وحدت و تقریب به شیوه یاد شده، پشتیبانی کرد، و این که امروزه شیعه در جهان به طور کامل شناخته نشده، یکی از عوامل آن، وجود بدبینی در طرف مخالف است. اگر این بدبینی از بین برود و هر دو گروه، هم دیگر را تحمل کنند شیعه در جهان به خوبی شناخته می‌شود، و مشترکات به صورت روشن تجلی می‌کند.

در اعصار گذشته خصوصا در ایام شکوفایی تمدن اسلامی همکاری میان دانشمندان دو گروه چشمگیر بود. یعنی شیعیان در حوزه‌ی درس استاد سنی حاضر شده و از آن بهره می‌گرفتند و همچنین سنیان از حوزه درس استاد شیعه استفاده می‌کردند و در عین حال هر دو گروه با توجه به مشترکات، متمیزات خویش را حفظ می‌نمودند.

در اینجا حضرت والد نمونه‌های تاریخی از همکاری دو گروه بیان کردند برای ارزشمند بودن آنها به تنظیم گفتار ایشان می‌پردازیم:

۱. ابن عساکر و نقل حدیث از کلینی

محمد بن یعقوب کلینی (متوفای ۳۲۹) کتاب شریف کافی را به مدت ۲۰ سال نوشت و با نگارش آن دوره جدید جوامع حدیثی شیعه آغاز گشت. او در دهه سوم قرن چهارم (۱۳۲۰ - ۱۳۲۹) ری را به عزم اقامت در بغداد ترك گفت تا کتاب کافی را بر مشایخ حدیث در عراق و سوریه و لبنان عرضه کند.

ابن عساکر (متوفای ۵۷۱) می‌گوید: وی وارد بعلبک شد و از مشایخ خود به نامهای محمد بن علی بن جعفر سمرقندی، و محمد بن احمد خفاف نيسابوری، و علی بن ابراهیم بن هاشم نقل حدیث کرد. (۱)

سپس ابن عساکر حدیثی را با سندی به پنج واسطه از کلینی نقل می‌کند و می‌گوید: کلینی نیز این حدیث را به سند خود از امیرمؤمنان نقل کرده است و آن حدیث این است: «اعجاب المرء بنفسه دلیل علی ضعف عقله». (۲)

## ۲. شیخ مفید و حوزه کلامی بغداد

عصر شیخ مفید (۳۳۶ - ۴۱۳) عصر تضارب افکار و شکل‌گیری مکتب‌های کلامی گوناگون بود، ولی قوت منطق و بیان شیرین شیخ به حدی بود که در حوزه تدریس او شخصیت‌هایی از سنیان حاضر شده و بهره می‌گرفتند.

شیخ در دوران جوانی از اساتیدی مانند حسین بن علی بن ابراهیم بصری معروف به (جعل) فقیه معتزلی (۲۹۳ - ۳۶۹) و مفسر نیرومند علی بن عیسی رماتی متکلم نحوی معتزلی (متوفای ۳۸۵) استفاده کرد و تشیع او مانع از آن نبود که در حوزه کلامی و فقهی آنان حاضر شوند همچنان که تسنن دیگران در آن عصر مانع از آن نبود که حوزه کلامی شیخ از این افراد موج زند.

ابن جوزی متوفای ۵۹۷ می‌نویسد: خانه شیخ مفید به درب ریاح بود و در اینجا مجلس بحثی برپا می‌شد که دانشمندان از همه مذاهب در آن شرکت می‌نمودند و مفید با تمام آنان به بحث و گفتگو می‌پرداخت. (۳)

ابن کثیر در حوادث ۴۱۳ می‌نویسد: و کان مجلسه يحضره خلق كثير من العلماء و سائر الطوائف. (۴)

در مجلس بحث او انبوهی از دانشمندان از فرق اسلامی حاضر می‌شدند.

در پرتو این همکاری نزدیک بود که گروه کثیری به وسیله شیخ به تشیع مشرف شده و از چشمه زلال آن سیراب شدند، و روزی که شیخ در گذشت و در میدان «اشنان» بر جنازه او نماز گزارانند، جا برای نماز گزاران فوق العاده تنگ شد و گریه نماز گزاران از هر طرف بلند بود. (۵)

## ۳. سید مرتضی و زعامت علمی حوزه بغداد

سید مرتضی (۳۵۵ - ۴۳۶) از علمای بزرگ شیعه در قرن پنجم هجری است. او دست پرورده‌ی فقیه بزرگ، متکلمی عالی مقام مانند مفید بود، و در عظمت علمی او همین بس که ابن خلکان می‌گوید: شریف، امام پیشوایان عراق بود. (۶)

این جمله را درباره کسی می‌گویند که دانشمندان همه‌ی فرق در برابر علم و دانش او سر تعظیم فرود آورده و به آن از دیده‌ی تعظیم می‌نگرند.

کتاب امالی او که گاهی به آن «الغرر والدرر» نیز می‌گویند، دروس کلامی و تفسیری و ادبی اوست که برای جمع کثیری از فضلاء بغداد از تمام فرق املا می‌کرد و احیانا مناقشه‌هایی در انتهای تدریس انجام می‌گرفت.

## ۴. شیخ طوسی و زعامت علمی حوزه بغداد

شیخ طوسی (۳۸۵ - ۴۶۰) بسان مشایخ خود مفید و مرتضی از دانشمندان اهل سنت بهره گرفته و در عین حال گروهی از آنان از شمه زلال او سیراب شده‌اند، از اساتید غیر شیعی اوست ابوعلی بن شانان، و ابو منصور سبکی. (۷) ولی در مقابل در حوزه درس شیخ در بغداد آنگاه که بر کرسی تدریس می‌نشست گروه کثیری از فرق اسلامی پای منبر او گرد آمده و از او بهره می‌گرفتند.

ابن جوزی می‌نویسد: در سال ۴۴۹ ه به خانه ابوجعفر طوسی در کرخ حمله کردند و دفاتر و کرسی تدریس او را به غارت بردند. (۸)

## ۵. ابن ادریس و همکاری با فقیه شافعی

ابن ادریس (۵۴۳ - ۵۹۸) می‌نویسد: یکی از علمای شافعی که با هم مانوس هستیم و نامه‌نگاری میان ما و او رد و بدل می‌شود نامه‌ای برای من نوشته و از حکم سه طلاق در يك مجلس از دیدگاه انمهی اهل بیت‌سؤال کرده است. وی در پاسخ او، رساله‌ی گسترده‌ای نوشته و آن را در «السرائر» آورده است. (۹)

## ۶. منتجب الدین و رافعی قزوینی

متنجدب الدین (۵۰۴ پس از ۵۸۵) از علمای نامی شیعه در قرن ششم هجری و مؤلف «فهرست اسماء علماء الشیعة ومصنفیهم» است. در عظمت علمی او همین بس که از ۱۴۶ شیخ حدیث، روایت نقل کرده و یا اخذ علم نموده است، که در میان آنان حسن بن محمد بن احمد استرآبادی حنفی و ابوبکر بن عبدالباقی بغدادی و غیره است، و او دوست نزدیک ابن عساکر در ری بوده و در سال ۵۲۹ با هم، از استادی به استماع حدیث پرداخته‌اند.

رافعی شافعی یکی از تلامذ او است که در سال ۵۸۵ ه نزد او درس خوانده، و او را چنین می‌ستاید:

«شیخ ریان فی علم الحدیث سماعا و ضبطا و حفظا و جمعا، یکتب ما یجد و یسمع ممن یجد و یقل من یدانیه فی هذه الاعصار فی کثرة الجمع و السماع و الشیوخ الذین سمع منهم، و اجازوا له». (۱۰)

## ۷. همکاری در قرن هفتم

همکاری میان دو گروه در عصر خواجه و علامه حلی بسیار چشمگیر است، زیرا برخی از مشایخ هر دو را علمای اهل سنت تشکیل می‌دهد، همچنان که گروهی از اهل سنت به افتخار تلمذ نزد آن دو شخصیت نایل آمده‌اند، و مطالعه زندگانی این دو شخصیت بزرگ این حقیقت را روشن می‌کند.

## ۸. فخر المحققین و فیروز آبادی

مجدالدین فیروز آبادی (۷۲۹ - ۸۲۷) نویسنده فرهنگ زبان عرب به نام «القاموس المحيط» در عراق از شخصیت‌هایی بهره گرفته که از میان آنان می‌توان فخر المحققین فرزند علامه حلی را نام برد.

فیروز آبادی در اجازه‌ای که به ابن حلوانی داده به تلمذ خود نزد فخر المحققین تصریح کرده و صورت اجازه، حاکی از عظمت فخر المحققین نزد او است.

او چنین می‌گوید: وبعد بقول فقیر رحمة الله تعالى ابو طاهر محمد بن یعقوب بن محمد الفیروز آبادی الشیرازی سدد الله افعاله و اقواله و هداه من الامور لما هو ایقن و اقوی له.

اجزت للمولی الامام، الحبر الهمام، البحر الهلquam، زبده فضلاء الایام فخر علماء الانام، عماد الملة و الدین عوض الفلك الابادی الشهیر بابن الحلوانی سقاها الله تعالى من الکلم الغر عذاب نطافها کما رزقه من اثمار العلوم لطاف اقطافها ان یروی عنی هذا الکتاب المسمى بالتکملة و الذیل و الصلة لکتاب تاج اللغة و صحاح العربیة بحق روایتی اياه عن شیخی و مولای علامة الدنیا بحر العلوم و طود العلی فخر الدین ابی طالب محمد بن الشیخ الامام الاعظم برهان علماء الامم، جمال الدین ابی منصور الحسن بن یوسف بن المطهر الحلی بحق روایتیه عن والده. (۱۱)

پی نوشتها:

۱. تاریخ ابن عساکر: ۲۹۷/۵۶؛ مختصر تاریخ دمشق: ۳۶۲/۲۳.

۲. المنتظم: ۱۱/۸.

۳. البدایة و النهایة: ۱۵/۱۲.

۴. رجال نجاشی: ۲، شماره ۱۰۶۸؛ فهرست‌شیخ، شماره ۷۱۰.

عبارت شیخ چنین است: «وكان يوم وفاته يوما لم ير اعظم منه من كثرة الناس للصلاة عليه و كثرة البكاء من المخالف و الموافق».

۵. وفيات الاعیان: ۳/۳۱۳.

۶. علامه مجلسی در اجازه کبیر خود او را از مشایخ سنی شیخ معرفی کرده است.

۷. مقدمه تبیان: ۵۲ - ۵۳.

۸. منتظم: حوادث سال ۴۴۹ ه.

۹. السرائر: ۲/۶۷۸.

۱۰. التدوین فی اخبار قزوین: ۳/۳۷۷.

۱۱. الجاسوس علی القاموس، احمد فارسی افندی: ۱۲۹ و ۱۳۰ چاپ قسطنطنیه، چاپ سال ۱۲۹۹ ه.